



## آغاز

قرآن مجید در آیات فراوانی از آخرین سفیر الهی و چراغ پرفروغ عالم هستی، به شکل های گوناگونی سخن گفته و چهره مقدس و ملکوتی اش را به تصویر کشیده است. گاه نام مقدسش را با تعظیم یاد می کند، گاهی اطاعت از وجود مقدسش را اطاعت از پروردگار و نافرمانی او را نافرمانی خدا قلمداد کرده، گاهی به حضرتش سوگند یاد می کند و گاهی هم به دفاع از او برمی خیزد.

خدای کریم در قرآن مجید علاوه بر بیان اوصاف پیامبر ﷺ احترام به آن حضرت را یکی از واجبات مسلمانان بر شمرده و در آیاتی چند، همگان را به این وظیفه شرعی فراخوانده است.

از جمله مواردی که مصداق بارز احترام و تکریم و تعظیم پیامبر ﷺ است، طلب رحمت برای آن حضرت می باشد. مسلمانان از سوی پروردگار موظف شده اند که همیشه به یاد پیامبر خاتم باشند و حتی در نماز برای او صلوات و درود بفرستند و رحمت خداوند را برای وجود مقدسش طلب کنند.

جالب این است که خداوند پیش

از چنین دستوری، نخست خود و فرشتگانش چنین کاری را آغاز کرده و سپس به پیامبرش خبر داده که مسلمانان برای ادای احترام و تعظیم پیامبر ﷺ باید بر او صلوات و درود بفرستند. این نوشتار، درنگ کوتاهی در این فرمان الهی است.

## قرآن و فرمان صلوات بر پیامبر

یکی از دستورهای قرآن کریم که در سوره احزاب بدان اشاره شده، صلوات فرستادن و درود بر پیامبر عظیم الشان است. آنجا که

می فرماید: **وَإِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**؛ همانا خدا و فرشتگان بر

پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم فرمان او باشید.

## صلوات چیست؟

۲۵۶۸

این فارس در مقایس اللغة در معنای صلوات می نویسد: «فَأَمَّا الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَالرَّحْمَةُ؛ صلوات از سوی پروردگار، همانا رحمت اوست.»<sup>۲</sup>

شیخ طوسی در تفسیر تبیان اضافه می‌کند: صلوات پروردگار، همان کرامت‌هایی است که به پیامبرش عنایت فرموده و او را برتر از دیگران شمرده و درجه و رتبه‌اش را بالاترین درجات قرار داده است. همچنین مقام و منزلتش را بسیار رفیع و بلند کرده و از آن حضرت، تعریف و تمجید نموده است.<sup>۲</sup>

با این بیان، صلوات خدا بر پیامبر ﷺ با صلوات فرشتگان و بندگان بر پیامبر، اندک تفاوتی دارد؛ زیرا خداوند خود پیامبرش را به وسیله صلوات مشمول رحمت و عنایت خاص خود قرار می‌دهد، اما فرشتگان و سایر بندگان از خدا می‌خواهند که پیامبرش را مشمول کرامت و رحمت واسع خویش قرار دهد.

علامه طباطبائی می‌نویسد:

«و قد استفاضت الروایات من طرق الشیعة و أهل السنة ان طریق صلاة المؤمنین أن یسألوا الله تعالی أن یصلی علیه و آله»<sup>۳</sup>

آیا صلوات بر پیامبر، استمراری است؟

مسئله دیگر درباره این فرمان الهی آن است که: آیا صلوات بر پیامبر به زمان حضور آن حضرت اختصاص داشت یا اینکه حتی پس از رحلت پیامبر، بلکه تا روز قیامت تمام مسلمانان وظیفه دارند طبق آیه مبارکه، بر او صلوات و درود بفرستند؟

روشن است که این حکم، اختصاص به زمان خاصی ندارد؛ چون در آیه شریفه فعل مضارع «یصلون» به کار رفته که دلالت بر استمرار عمل دارد. بنابراین پیوسته خداوند و فرشتگان بر او رحمت و درود می‌فرستند؛ رحمت و درودی پیوسته و جاودانی.<sup>۴</sup>

کیفیت صلوات بر پیامبر اعظم

پس از نزول این آیه شریفه بر پیامبر اعظم ﷺ، شاید یاران معنای صلوات را می‌دانستند، اما به یقین از کیفیت آن بی‌خبر بودند. بدین جهت، بنا بر نقل ابو حمزه ثمالی، یکی از یاران پیامبر به نام کعب گوید: پس از

نزول آیه یاد شده عرض کردیم: سلام بر تو را می‌دانیم، ولی صلوات بر تو چگونه است؟

فرمود: بگویند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد كما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم آنک حمید مجید، و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم آنک حمید مجید»<sup>۵</sup>؛ پروردگارا! بر پیامبر و آل پیامبر درود فرست؛ همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی. بی‌شک تو حمید و مجید هستی. خدایا! بر محمد و آل محمد مبارک گردان؛ همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم مبارک گردانیدی.

از این روایت، بلکه ده ها روایت دیگر که در کتاب‌های شیعه و سنی نقل شده، به دست می‌آید که مسلمانان باید این چنین بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستند و هرگز آل او را از وجود مقدسش جدا نسازند؛ چرا که خود رسول الله کیفیت و چگونگی صلوات را این چنین بیان کرده است.

نهی از فرستادن صلوات ناقص

در بحث از کیفیت صلوات بر پیامبر ﷺ گذشت که طبق دستور آن حضرت باید صلوات کامل فرستاده شود و هرگز میان پیامبر و آلش در صلوات جدایی نیفتد و بارها فرمود: هرگز بر من صلوات بترا (ناقص) نفرستید. یاران عرض کردند: یا رسول الله! صلوات بترا چیست؟

فرمود: اینکه فقط بگویند: اللهم صل علی محمد و دنباله‌اش را قطع کنید؛ بلکه بگویند: اللهم صل علی محمد و آل محمد.<sup>۶</sup>

علامه طباطبائی پس از آوردن حدیث کعب، می‌نویسد: هجده روایت دیگر هست که دلالت دارند بر مشارکت آل پیامبر با او در صلوات. این روایات را اصحاب سنن و جوامع از برخی یاران پیامبر نقل کرده‌اند؛ از جمله: ابن عباس، طلحه، ابوسعید خدری، ابوهریره، ابومسعود انصاری، بریده، ابن مسعود کعب

۳۵۷۹

بن عجرة و علی علیه السلام اما روایات از طریق شیعه، بیش از شمارش است.<sup>۸</sup>

با عنایت به مسئله فوق و تأکید و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله بر جدا نکردن آل او در صلوات، باز هم دیده شده که برخی، همانند مسلم در صحیح خود، بابتی آورده و گویا خواسته است صلوات را فقط بر رسول خدا صلی الله علیه و آله محدود کند.<sup>۹</sup>

### آل پیامبر کیان اند؟

مفسران قرآن در ذیل آیه تطهیر که خداوند فرمود:

«الصلوة یا أهل البیت»<sup>۱۰</sup>، به این بحث پرداخته‌اند که مقصود از «اهل البیت» در این آیه مبارکه، چه کسانی هستند.

برخی به قرینه آیات قبل و بعد، این آیه را مخصوص همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند؛ اما تمام مفسران شیعه و بیشتر مفسران سنی، این آیه را به «خمسة طیبه» تخصیص داده و چنین نوشته‌اند که: پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه و آله مدت شش ماه، هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه علیها السلام می‌گذشت، صدا می‌زد:

«الصلوة یا أهل البیت! یا علی بن ابی طالب! یا زینب! یا فاطمه! یا حسن! یا حسین!»

«الصلوة یا أهل البیت! یا علی بن ابی طالب! یا زینب! یا فاطمه! یا حسن! یا حسین! یا محمد! یا محمد! یا محمد!» هنگام نماز است ای اهل بیت! خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک سازد.<sup>۱۱</sup>

همچنین به روایات متعددی برخورد می‌کنیم که ابوسعید خدری با صراحت، گواهی می‌دهد که این آیه تنها درباره همان پنج تن نازل شده است.<sup>۱۲</sup>

روایات فراوان مربوط به «حدیث کساء»، بهترین دلیل است که مقصود از آل البیت، پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین است. بر اساس این روایات، پیامبر هنگام ملاقات با آنان، عبایی بر آنها افکند و فرمود: «خداوندا! اینان خاندان من هستند.

رجس و آلودگی را از آنها دور کن.»

دانشمند معروف نیشابوری، به نام حاکم حسکانی، در شواهد التنزیل این روایات را به طرق و راه‌های متعدد از راویان مختلفی گردآوری کرده است.<sup>۱۳</sup>

خلاصه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن خارج کردن ام سلمه و سایر همسران از شمول این آیه<sup>۱۴</sup>، سه بار این جمله را تکرار کرد: «خداوندا! اهل بیت من اینان هستند، پلیدی را از آنها دور کن.»<sup>۱۵</sup>

استاد مکارم شیرازی می‌نویسد: از مجموع آنچه گفتیم، چنین نتیجه می‌گیریم که منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه به پنج تن می‌کند، به قدری فراوان است که جای تردید در آن باقی نمی‌گذارد. در شرح احقاق الحق بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت گردآوری شده و منابع شیعه در این زمینه از هزار هم می‌گذرد.<sup>۱۶</sup>

### انگیزه فرستادن صلوات

پیامبران خدا در راه رساندن پیام الهی سخت‌ترین رنج‌ها را متحمل شدند، در برابر اهانت‌ها، ناسزاها و آزارهای روحی و جسمی دشمنان خدا، سخت ایستادگی کردند و با جدیت تمام، پیام روح بخش و انسان‌ساز پروردگار را به مردم رساندند. از این رو، خدا دستور داده تا بر آن حضرت درود فرستیم، و بشر نیز از باب قدرشناسی و ارج گذاری به ساحت انبیای الهی - به ویژه حضرت ختمی مرتبت - وظیفه دارد که پیوسته به یاد این پیامبر دلسوز و مهربان باشد و همواره برای وجود مقدسش از خداوند درخواست رحمت الهی بنماید.

در روایات نیز صلوات بر پیامبر و خاندانش جزء واجبات قلمداد شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «الصلوة علی النبی و آله واجبة فی کل المواطن و عند العطاس و...»<sup>۱۷</sup> صلوات بر پیامبر و آل او در همه جا لازم است؛ حتی هنگام عطسه و غیر آن. امام رضا علیه السلام شبیه به همین مضمون را به مأمون عباسی نوشت.<sup>۱۸</sup>

آیا صلوات بر پیامبر و آل او واجب است؟

تمام فقهای شیعه امامیه، صلوات بر محمد و آل محمد را در «تشهد» واجب می‌دانند و در غیر آن مستحب.

شیخ طوسی در کتاب النهایة در باب تشهد، ضمن فتوا به وجوب صلوات بر پیامبر و آل او می‌فرماید: «و كذلك الصلاة على النبي وآله فريضة فمن تركها متعمداً وجبت عليه إعادة الصلاة و من تركها ناسياً قضاها بعد التسليم و لم يكن عليه شيء؛ صلوات بر محمد و آل محمد، واجب است. پس هر که این فریضه را از روی عمد ترک گوید، باید نماز را اعاده کند، و هر که از روی فراموشی آن را نیاورد، باید پس از نماز آن را قضا کند و چیزی دیگر بر او نخواهد بود.»<sup>۱۹</sup>

همچنین علامه حلی در منتهی المطلب می‌فرماید: «و يجب فيه الصلاة على النبي ﷺ عقيب الشهادتين، ذهب اليه علماؤنا أجمع في التشهد الأول والثاني؛<sup>۲۰</sup> و واجب است در تشهد پس از آوردن دو شهادت، بر

و الثاني ذهب اليه علماؤنا أجمع؛<sup>۲۱</sup> صلوات بر آل پیامبر در تشهد اول و دوم واجب است. تمام علمای ما به این مسئله فتوا داده‌اند.»

سپس به بررسی أدلة آن از طریق عامه و خاصه بر وجوب حکم صلوات بر محمد و آل محمد پرداخته است.<sup>۲۲</sup>

### وجوب صلوات از دیدگاه اهل سنت

فقهای سنی در خصوص این مسئله، دو دسته هستند: یک دسته، فتوا به وجوب داده‌اند؛ همانند شافعی و جمعی دیگر از فقهاء. دسته دوم همانند ابوحنیفه آن را واجب نشمرده‌اند. سرخسی<sup>۲۳</sup> در مبسوط می‌نویسد: «ثم الصلاة على النبي ﷺ في الصلاة ليست من جملة الأركان عندنا، و قال الشافعي: هي من جملة أركان الصلاة لا تجوز الصلاة الآ بها؛ صلوات بر پیامبر در نماز، در نزد ما، از ارکان شمرده نمی‌شود؛ اما در نزد شافعی، از ارکان نماز شمرده شده؛ به گونه‌ای که نماز بدون آن صحیح نمی‌باشد.»<sup>۲۴</sup>

پیامبر ﷺ صلوات بفرستد و به این وجوب در تشهد اول و دوم، تمام علمای ما فتوا داده‌اند.»

علامه حلی در مسئله دیگر، با اضافه کردن آل پیامبر به صلوات بر آن حضرت می‌فرماید:

«مسئلة: الصلاة على آله واجبة في التشهد الأول»

استاد مکارم شیرازی، ضمن آوردن شعر معروف شافعی، می‌نویسد: جالب اینکه شافعی همین فتوا را در

شعر معروفش صریحاً آورده است؛ در آنجا که می‌گوید:

بها أهل بيت رسول الله حکيم

مسئلة: الصلاة على آله واجبة في التشهد الأول

۱۵۷۱

كفا كم من عظيم القدر أنكم

من لم يصل عليكم لاصلاة له  
ای اهل بیت رسول الله! محبت شما از سوی خداوند  
در قرآن واجب شده است. در عظمت مقام شما همین  
بس که هرکس بر شما، صلوات نفرستد، نمازش باطل  
است.<sup>۲۵</sup>

### آیا صلوات برای پیامبر سودمند است؟

ممکن است این سؤال به ذهن آید که: امت اسلامی  
به فرمان قرآن کریم، مأموریت یافته که در نماز و غیر  
نماز، بر پیامبر رحمت صلوات بفرستد، اما معلوم نیست  
که صلوات ما به حال پیامبر که مقامش را جز خدا  
نمی‌داند، سودی داشته باشد؛ چرا که او عالی‌ترین مراتب  
کمال را طی کرده و نیازی به درود ما ندارد.

پاسخ می‌دهیم: شکی نیست که مقام نبی اکرم ﷺ  
آن قدر والا است که هرگز بشر توان درک آن را نداشته  
است و نخواهد داشت و تنها پروردگار می‌داند پیامبرش  
در چه جایگاهی قرار دارد. اما داشتن چنین درجاتی  
موجب نمی‌شود که مقام او بالا و بالاتر نرود، چون  
درجات در نزد خداوند هرگز حد و حدودی ندارد. با تأمل  
در شواهد زیر صدق و مدعای ما روشن می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام در مقام بیان تشهد به عبدالمک بن  
عمر احوال می‌فرماید:

«التَّشَهُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ  
تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ.»<sup>۲۶</sup>

در اینجا امام صادق علیه السلام از درخواست بالا بردن درجات  
پیامبر به وسیله دعای مسلمانان سخن به میان می‌آورد.

۲. امیرمؤمنان علیه السلام از پیامبر نقل کرده که آن حضرت  
فرمود: «فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تَدْعَى الْوَسِيلَةَ، فَإِذَا سَأَلْتُمْ  
اللَّهَ فَسْئَلُوا لِي الْوَسِيلَةَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ  
يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا. قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ

و الحسن والحسين<sup>۲۷</sup>! در بهشت درجه‌ای است به  
نام وسیله. هرگاه بخواهید در هنگام دعا چیزی برای من  
از خدا بخواهید، مقام وسیله را مسئلت نمایید. گفتند: یا  
رسول الله! چه کسانی در این درجه (مخصوص) با شما  
هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین.»

علامه امینی در ذیل این حدیث می‌نویسد: این  
حدیث را دانشمندان عامه نیز در کتب خود ذکر نموده‌اند؛  
از جمله سیوطی در کتاب الجامع الکبیر از حافظ ابن  
مردویه نقل کرده است. ما شیعیان نیز در زیارت  
پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ اعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ  
الْجَنَّةِ<sup>۲۸</sup>؛ خدایا! درجه رفیع و همچنین درجه مخصوص  
- وسیله - را به او عنایت فرما.»

### فضایل و فواید صلوات

بزرگان اهل حدیث و دانشمندان شیعه و سنی  
روایات و احادیث فراوانی را در ذیل همین آیه و  
همچنین در دیگر موارد آورده‌اند. برخی در اهمیت این  
موضوع، کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند و برخی  
دیگر همانند علامه مجلسی در بحارالتواریخ بابی به این  
مسئله اختصاص داده و در حدود هفتاد روایت در آن باب  
آورده است. از مجموع این روایات به آثار و فضایل و  
برکات خوبی می‌رسیم. پایان‌بخش این بحث را به این  
فضایل اختصاص می‌دهیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، ضمن بیاناتی مفصل  
و فراوان، بر این مطالب تکیه کرده و فرموده‌اند:  
صلوات بر محمد و آل محمد گناهان را از بین  
می‌برد.<sup>۲۹</sup>

صلوات در نزد خداوند همانند تسبیح و تهلیل و تکبیر  
است.<sup>۳۰</sup>

۳۵۷۳

هیچ عملی در روز جمعه، افضل از صلوات نیست.<sup>۳۱</sup>  
با ذکر صلوات، انسان از گناهانش بیرون می‌رود.<sup>۳۲</sup>  
ذکر صلوات، افضل از آزادی بندگان است.<sup>۳۳</sup>

هیچ چیز از ذکر صلوات بر محمد و آل محمد برتر نیست.<sup>۳۳</sup>

ذکر صلوات، سپری از آتش جهنم است.<sup>۳۵</sup>

خداوند در برابر ذکر صلوات برای فرستنده آن، هزار حسنه می نویسد.<sup>۳۶</sup>

فرستنده صلوات، مورد شفاعت قرار خواهد گرفت.<sup>۳۷</sup>

خداوند برای فرستنده صلوات، صد حاجت برآورده می سازد که هفتاد حاجت از حاجت های دنیا و سی نیاز از نیازهای آخرت است.<sup>۳۸</sup>

فرستنده صلوات، از همنشینان پیامبر در عالی ترین درجات بهشت است.<sup>۳۹</sup>

صلوات، از بین برنده نفاق و دو رویی است.<sup>۴۰</sup>

فرستادن صلوات، سبب ایجاد نور در قبر می شود.<sup>۴۱</sup>

صلوات، وسیله تقرب به خدا می باشد.<sup>۴۲</sup>

صلوات بر محمد و آل محمد در بین نماز ظهر و

عصر، برابر با هفتاد رکعت نماز است.<sup>۴۳</sup>

با ذکر صلوات، فراموش شده ها به یاد می آید.<sup>۴۴</sup>

کسی که پس از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بر محمد و آل او صلوات بفرستد، از دنیا نمی رود، مگر اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه را ببیند.<sup>۴۵</sup>

فرستادن صلوات، سبب توانگری و زدودن فقر از

انسان و جامعه می شود.<sup>۴۶</sup> فرستادن صلوات، سبب دفع و

رفع تشنگی در روز قیامت می شود.<sup>۴۷</sup>

خداوند! آنچه را که برای بندگان صالح خود مقدر

کرده ای، درباره ما نیز به برکت صلوات بر محمد و آل

او، مقرر بفرما.

پی نوشت ها:

۱. احزاب / ۵۶

۲. مقایس اللغة، ج ۳، ص ۳۰۱.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۵۹.

۴. تفسیر المیزان، ج ۲۲، ص ۳۲۸.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۶. الذر المنثور، ج ۶، ص ۶۴۶ سنن نسائی، ج ۳، ص ۴۵؛ صفوة

العرفان، ج ۵، ص ۱۷۸.

۷. الصواعق المحرقة، ص ۴۴.

۸. المیزان، ج ۲۲، ص ۳۴۴.

۹. رک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶، باب الصلاة علی النبی.

۱۰. احزاب / ۳۳.

۱۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۰.

۱۲. شواهد التنزیل ج ۲، ص ۲۵.

۱۳. همان.

۱۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۹.

۱۵. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۰.

۱۶. همان، ص ۳۰۲.

۱۷. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۱.

۱۸. همان.

۱۹. النهایه، ص ۸۹.

۲۰ و ۲۱ و ۲۲. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۲۹۳.

۲۳. سرخسی، فقه خود را بر مبنای فقه ابوحنیفه تدوین کرده است.

۲۴. المبسوط، ج ۱، ص ۲۹.

۲۵. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۱.

۲۶. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲۷. فاطمة الزهراء، علامه امینی، ص ۹۹.

۲۸. همان.

۲۹. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۴۸.

۳۰. همان.

۳۱. همان، ص ۵۱.

۳۲. همان، ص ۵۵.

۳۳. همان، ص ۵۷.

۳۴. همان.

۳۵ و ۳۶. همان، ص ۵۸.

۳۷. همان، ص ۶۳.

۳۸. همان، همان، ص ۵۹.

۳۹. همان.

۴۰. همان.

۴۱. همان، ص ۷۰.

۴۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۳.

۴۳ و ۴۴ و ۴۵. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۹.

۴۶ و ۴۷. مجله کوثر، ش ۵۰، ص ۱۳۷.

۲۵۷۲